

درک و مباشرت در خواندگی خداوند برای زندگی من

نویسنده: فرد گریکو

همه می‌خواهیم زندگی‌مان معنا داشته باشد. می‌خواهیم اطمینان یابیم مسیری که در زندگی اتخاذ می‌کنیم مطابق با اراده‌ی خداوند است – و حتی می‌ترسیم اگر خارج از چارچوب اراده‌ی وی عمل کنیم حوادث ناگواری برآیمان رخ دهد. ایرادی ندارد که انسان به خواهد طبق اراده‌ی خداوند زندگی کند؛ هر چه باشد، عیسی خودش این گونه دعا می‌کند: «نه به خواهش من، بلکه به اراده‌ی تو» (انجیل لوقا ۲۲: ۴۲). مشکل اصلی زمانی پیش می‌آید که می‌خواهیم ببینیم اراده‌ی خداوند برای زندگی ما چیست. اگر خدا پیامی در آسمان می‌نوشت یا به هر ایماندار علامتی فراطبیعی نشان می‌داد کار راحت می‌شد. اگر من یک روز صبح از خواب بیدار می‌شدم و می‌دیدم ابرها به شکل جمله‌ی «مهندس شو!» درآمده‌اند (یا حتی بهتر، «در فلان شرکت مهندس برق شو») جای هیچ تردیدی برایم نمی‌ماند. اما خداوند بنا به حکمت بی‌نهایتش چنین خواسته است که اراده‌اش را برای هر ایماندار به این شیوه‌ی مشخص آشکار نکند. تصور می‌کنم حتی اگر چنین می‌کرد، باز هم متوجه اراده‌اش نمی‌شدم. در حکایتی قدیمی آمده است که مردی در آسمان حروف «ب ب ب» را دید و به این نتیجه رسید که خدا به او می‌گوید: «برو بشارت بده!» ولی مشکل آن جا بود که آن مرد عملاً توانایی ایجاد ارتباط را نداشت و کتاب مقدس را نیز چندان نمی‌شناخت. وقتی نزد دوستی رفت و گفت چه در سر دارد، دوستش پاسخ داد «شاید اصل پیام این بوده: برو بلال بفروش!».

ولی در عین حال این تصور که همه مردم به یک اندازه برای تمامی مشاغل مستعد هستند عاقلانه نیست. کلمه *vocation* (به معنای شغل – حرفه) ریشه در زبان لاتین دارد و به معنای «ندا – خواندگی» است، یعنی خداوند از هر یک از ما می‌خواهد تا از عطیایی که در اختیار داریم استفاده کنیم. مسیحیان نباید انکار کنند که توانایی‌ها، عطایا و علائقی دارند، زیرا کتاب مقدس به ما می‌گوید خداوند این چیزها را به مسیحیان عطا می‌کند. هر یک از ما با دیگری فرق دارد زیرا بنا به مشیت خداوند قرار است با همین تفاوت‌ها کلیسا و جامعه‌ی الهی ساخته شود. پولس رسول می‌گوید: «زیرا که در نعمتها و دعوت خدا بازگشتن نیست» (رومیان ۱۱: ۲۹) و آن نعمت‌ها مختلف‌اند (۱۲: ۶). ما هر روز در اطرافیانمان شاهد این پدیده هستیم – بعضی در ریاضیات و کار با اعداد مستعدند و بعضی دیگر در ادبیات می‌درخشند؛ بعضی به حرفه‌های تیمی علاقه‌مندند و بعضی به حرفه‌های انفرادی؛ بعضی همواره به دنبال آغاز کردن پروژه‌ها و کسب‌وکارهای جدید هستند، بعضی از کار کردن در حیطه‌های جا افتاده لذت می‌برند. تفاوت بد

نیست. اما باید بدانیم تفاوت‌ها نتیجه کوشش ما نیست بلکه خداوند علت آنهاست (اول قرنتیان ۴: ۷).

چطور می‌توانم خواندگی‌ام را تشخیص بدهم؟

اگر هر یک از ما عطایا و علائق متفاوتی داریم، پس سوال بعدی این است که از کجا بدانم خواندگی‌ام چیست؟ این سوال برای کسانی که خواندگی آنها فعالیت در خدمات مسیحی است اهمیت وافر دارد، اما برای کسانی که در مشاغل غیر روحانی فعال هستند نیز مهم است. ما میل داریم در کار خود موفق باشیم و از آن خرسند شویم، پس معقول است که در جستجوی هدفی که برایمان تعیین شده باشیم. اولین چیزی که باید درک کنیم این است که هیچ‌گونه تفاوت اساسی میان خواندگی به خدمت مسیح با خواندگی به سایر شغل‌ها وجود ندارد. منظور این است که آن که تعمیرکار خودرو یا پزشک یا معمار می‌شود کمتر از یک کشیش یا مبشر نیست. برای هر یک از این مشاغل نیاز به مهارت‌ها و عطایای متفاوتی هست، اما یک ایماندار نباید داشتن شغلی «غیر روحانی» را در مقایسه با کار کردن در کلیسا یا خدمات مسیحی را شکست تلقی کند. این یکی از اصول اصلی اصلاحات دینی بود که مارتین لوتر به بهترین نحو بیان کرد. لوتر می‌گفت کار یا شغل انسان (خواندگی)، صرف نظر از کیفیت دینی‌اش، باعث خشنودی خداوند است. در عصر لوتر این دیدگاه انقلابی شمرده می‌شد زیرا به مردم آموزش داده بودند که راهب و کشیش بودن برترین حرفه است و سایر مشاغل فروتر هستند. آن دیدگاه تلویحاً بدین معنی بود که خداوند چندان از کشاورزان، نانویان و کفاش‌ها رضایت ندارد. فعالیت در هر کاری که کمتر از خدمات مسیحی باشد به معنای از دست دادن فرصت تکمیل ایمان خویش از راه کارهای خوب و از دست رفتن تضمین رستگاری، که حاصل آن خواندگی است، می‌بود. اما لوتر در عوض گفت جایگاهی را که هر فرد مسیحی دارد خداوند به او عطا کرده است و بدین طریق همه در خدمت یکدیگریم. لوتر می‌گوید حتی زن شیردوش، به واسطه کارش، وسیله‌ای است تا «خداوند گاوها را بدوشد.»

به خاطر این اصل مهم، حین بررسی خواندگی‌هایمان نباید به دنبال سلسله مراتب مشاغل باشیم و از میانشان «بهترین» را برگزینیم؛ در عوض، باید عطایا و علیقمان را بررسی کنیم تا ببینیم کدام شغل از همه برایمان مناسبتر است. اگر خداوند بخشنده‌ی مواهب و عطایاست، و اگر خداوند معمولاً از علائق فراطبیعی برای هدایت مردم به سوی شغلی که باید در پیش بگیرند استفاده نمی‌کند، پس بهترین مسیر ممکن برای ما این است که به دنبال چیزی باشیم که خداوند به بهترین نحو ما را برای آن آماده کرده است. در نتیجه، مشغول خدمات مسیحی بودن هیچ

فرقی با سایر مشاغل نخواهد داشت – ما به خود و توانایی‌هایمان نظر می‌کنیم و از اطرافیان مشورت می‌گیریم تا بتوانیم ببینیم کدام خواندگی با ما سازگارتر است. در رابطه با کار خدمت انجیل مسیح، این دو جنبه به لحاظ تاریخی «خواندگی درونی» و «خواندگی بیرونی» گفته شده‌اند. هنگام بررسی خواندگی درونی و بیرونی، باید متوجه باشیم که برای بافتار غیر روحانی نیز صادق هستند و فقط شرایط آن فرق می‌کند.

خواندگی درونی

اولین ارزیابی شغلی ارزیابی عطایا، توانایی‌ها و علائق خود فرد است که «خواندگی درونی» نامیده می‌شود. در عین حال، این سخن بدین معنی نیست که مسئله به طور کامل به امیال و احساسات درونی مرتبط است. این امیال فقط یک مولفه از خواندگی درونی محسوب می‌شوند، اما چیزهای دیگری را نیز باید در نظر گرفت. خواندگی درونی خودارزیابی را نیز در بر می‌گیرد. کاملاً خوب و درست است که فرد به مهارت‌هایش، توانایی‌هایی که به او اعطا شده است، و علائقی که به بعضی مشاغل دارد فکر کند. هر یک از این زمینه‌ها برای تفکر صحیح درباره‌ی خود ضرورت دارند. نادیده گرفتن مهارت‌ها و عطایا برای فرد هیچ فایده‌ای در پی نخواهد داشت. در عصر ما بر این نکته تاکید می‌شود که شخص باید فقط کاری را در پیش بگیرد که بدان عشق می‌ورزد، و نباید تسلیم شغل دیگری بشود، و همواره باید «به دنبال علاقه‌اش» باشد. علاقه داشتن به شغل اهمیت دارد، اما کافی نیست. اگر کافی بود من الان بازیکن لیگ بیسبال بودم.

مثلاً، در حیطةی بشارت انجیل، صرف میل به کمک به دیگران یا تلاش برای یافتن معنا در شغل کافی نیست. اگر خداوند هدفی را مد نظر داشته باشد، لوازم شکوفایی‌تان در آن کار را به شما خواهد داد. پس برای شروع فرد باید ضرورت‌های مبشر انجیل شدن را داشته باشد. امروزه خواندگی عیسی برای مبشر احتمالی به همان صورتی که به متی ابلاغ شد نیست – عیسی به او مستقیماً گفت: «از عقب من بیا». ولی خواندگی مبشر با این خواندگی شروع می‌شود که عیسی از ما می‌خواهد نام او را پذیرا شویم و از او پیروی کنیم. در اغلب موارد، کسانی که می‌خواهند مبشر شوند در حقیقت به دنبال آن هستند تا ناخشنودی درونی‌شان را آرام کنند. انسان به سادگی در دام این فکر می‌افتد که اگر زندگی‌اش را وقف خدمت به انجیل کند، خداوند در پاداش حیات ابدی به وی خواهد داد. پیش‌نیاز اصلی بشارت انجیل این است که خداوند شخص را خوانده باشد و شخص از طریق کار اتمام یافته‌ی عیسی با خداوند آشتی کرده باشد، و خداوند اسم او را مستقیماً بخواند. هوراتیوس بونار بیش از یک قرن پیش در این باره گفته است:

«مبشر حقیقی می‌بایست مسیحی حقیقی باشد. پیش از آن که بتواند دیگران را به سوی خداوند فراخواند باید خداوند او را خوانده باشد.»

داوطلب بشارت انجیل می‌بایست مراقب باشد تا اسیر کمال‌گرایی نشود، و همچنین نباید نسبت به توانایی‌اش بیش از اندازه مطمئن باشد. همان چپستی بشارت باید باعث شود انسان در پذیرش این حرفه تردید کند، به عظمت آن بیندیشد و همچون پولس فریاد بزند که چنین کار عظیمی از عهده او خارج است (دوم قرتیان ۳: ۵). هرگاه به خود نگاه کند، باید کسی را به یاد آورد که عطایا را به او داده است. خداست که به شخص توانایی، مهارت و عطایای لازم برای موفقیت در کار بشارت ایمان مسیحی را می‌دهد. لازم نیست همه‌ی این عطایا با هم و به صورت کامل وجود داشته باشند تا شخص بتواند بشارت انجیل را آغاز کند، و یک خودارزیابی فروتنانه نشان خواهد داد که آیا توانایی‌های لازم وجود دارند یا خیر (مثلاً، درک کتاب مقدس و توانایی آموزش). داوطلب بشارت انجیل همچنین باید از خود سوالاتی دشوار راجع به خصوصیات شخصیتی که در اول تیموتائوس ۳ و تیطس ۱ ذکر شده‌اند بپرسد. او باید بداند که این خصوصیات صرفاً موانعی نیستند که باید از آن‌ها گذر کرد، بلکه صفات و خصوصیات لازم برای موفقیت در این شغل هستند. سرانجام، فرد باید در خود تأمل کند و ببیند آیا در کار خدمت متعهد است یا خیر. تعهد امری حیاتی در خدمت مسیحی است، تعهدی مومنانه به رشد معنوی، فروتنی، دانش، نظم، حکمت، رهبری و غیره. کسی که دست را به شخم زدن دراز می‌کند، نمی‌تواند به پشت سر نظر کند (لوقا ۹: ۶۲). پولس راهنمایی بسیار خوبی برای خودارزیابی ارائه می‌کند: او می‌دانست که کامل نیست، می‌دانست هنوز آن کسی که خواهد شد نشده است، و با این حال می‌دانست باید در مسیر هدفش حرکت کند (فیلیپیان ۳: ۱۲). اگر نگاه ما به خواندگی درونی درست باشد این مطلب را هیچ‌گاه فراموش نخواهیم کرد.

خواندگی بیرونی

گرچه خواندگی درونی بسیار مهم است، تنها جنبه‌ی شناسایی هدفی که خداوند برایمان در نظر گرفته نیست. حتی اگر خودارزیابی با احتیاط انجام شود، خالی از ایراد نخواهد بود. به همین دلیل، درک درونی فرد از خواندگی خویش باید با تاییدات بیرونی همراه گردد. در خصوص خدمت مسیحی، بدن عیسی [کلیسا] باید این خواندگی را تایید کند. از آن جا که اگر عیسی به کسی استعداد بدهد فرصت استفاده از آن را نیز خواهد داد، کلیسا می‌تواند عطایای او را ارزیابی و تشویق کند. بهترین شیوه کمک به تعیین این که آیا شما خواندگی دارید یک خادم شوید این است که خدا را خدمت کنید و به واسطه‌ی ارزیابی این خدمت، عطایای خود را

ببازمایید. در حقیقت معمولاً ضمن خدمت به کلیسا، خواندگی برای یک خادم تمام وقت شدن نیز می‌آید. وجود عطایا برای خدمت در فرد نشانه‌ای برای دیگران خواهد بود تا او را به عنوان شخصی که به خدمت تمام وقت خوانده شده است بشناسند، زیرا همه عطایایی که دارد برای بهره‌برداری در این بدن [کلیسا] بوده، و این مواهب شایسته‌ی احترام کلیسا هستند.

ما نباید اموری مانند نیاز به توصیه‌نامه شخصی، آزمون‌های انتصاب به منصب کشیشی یا انتخاب توسط جماعت کلیسا را الزامات دیوان‌سالارانه تلقی کنیم. این چیزها مصادیق ارزشگذاری خواندگی بیرونی هستند. شخص تسلط کامل بر خواندگیش ندارد، به ویژه اگر این خواندگی خدمت انجیل باشد. تایید عطایای فرد توسط دیگران برای تصمیم‌گیری در خصوص این که حرفه‌ای را دنبال کند یا نه حیاتی است. اگر به کسی فرصت داده شود تا عطایایش در امر بشارت را به کار گیرد و ببازماید، و اگر آن آزمایش‌ها با تشویق و تایید سایر فعالان کلیسا همراه شوند، دلگرمی وی برای ورود به این کار چه قدر افزایش خواهد یافت؟

اگر در ادامه کسانی که پیش از او در کار خدمت انجیل بوده‌اند او را آزمایش کنند و بررسی‌ها نشان دهد که وی از جهت شخصیت و عطایا برای این کار مناسب است بسیار باعث برکت خواهد بود. در عین حال، اگر دیگر مسیحیان به او هشدار دهند که برای کار خدمت مناسب نیست، و اگر نتواند آزمون‌ها را با موفقیت از سر بگذارند، آنگاه باید دست بکشد و از میل خود به خادم شدن چشم‌پوشد. این شاید لطف خدا باشد که او را از رنج، دلشکستگی و شکست احتمالی حفظ می‌کند.

خواندگی بیرونی فراتر از خدمت انجیل است و در سایر حرفه‌ها نیز نقش دارد. کاملاً مشخص است که برای ورود به بسیاری مشاغل، دیگران می‌بایست فرد را تایید کنند - پزشک‌ها باید آزمون‌های پزشکی بدهند، وکلا باید آزمون وکالت بدهند، معماران و مهندسان و تکنیسین‌ها نیز می‌بایست گواهی‌ها و جوازهای مربوطه را کسب کنند. این آزمون‌ها و گواهی‌ها مانع از آن می‌شوند که افراد نامتبحر وارد این مشاغل شوند، و در عین حال مهارت‌ها و عطایای افراد را به رسمیت می‌شناسند. به یاد دارم سال‌ها پیش وقتی آزمون وکالت ایالتی را با موفقیت پشت سر گذاشتم دیگران مرا تشویق کردند که واقعاً وکیل بشوم. این قوت قلب طی ماه‌ها و سال‌های پس از آن و ضمن انجام پروژه‌های طولانی و سخت بسیار به کمک من آمد. این طور نبود که فقط فکری در سر من افتاده باشد که بخواهم وارد این حرفه شوم - متخصصان این حیطه معتقد بودند مهارت‌های لازم برای موفقیت در این رشته را دارم. بنابراین، حتی اگر شغلی که می‌خواهید دنبال کنید نیاز به آزمون رسمی یا گواهی نداشته باشد، توصیه می‌کنم از سایر

افراد نظرشان را راجع به استعدادتان در آن شغل بپرسید. حکمت و حمایتی که از دیگران دریافت خواهید کرد فوق‌العاده ارزشمند است.

چطور در خواندگی خود مباشرت داشته باشم؟

آخرین نکته‌ای که باید مد نظر داشته باشیم این است که چطور می‌توانیم به بهترین نحو خواندگی خود را انجام دهیم. انسان می‌تواند برداشت خودش از خواندگی را به همراه مهارت‌ها، عطایا و علائقش بررسی کند و سپس تسلیم ارزیابی بیرونی مشابهی شود، بی آن که به جمع‌بندی قاطعی رسیده باشد. گاهی متوجه می‌شویم تصمیمی خوبی نگرفته‌ایم و باید مسیر را تغییر دهیم. احمقانه‌ترین کار این است که با شواهدی که نشان می‌دهند شغل نادرستی انتخاب کرده‌ایم مبارزه کنیم. به علاوه، انسان با گذر زمان تغییر می‌کند. وقتی ازدواج می‌کنیم، فرزند می‌آوریم، محل زندگی‌مان را تغییر می‌دهیم یا حتی تجربه‌های جدیدی از سر می‌گذرانیم، ممکن است علائقمان تغییر کنند. ممکن است عطایا و مهارت‌هایی در خود پرورش دهیم که پیشتر از وجودشان بی‌خبر بودیم. اگر این طور باشد، ممکن است مشیت خدا فرصت‌های جدید برای ورود به مشاغل جدید ایجاد کند. تکرار می‌کنم، با در نظر گرفتن تمامی عوامل فوق‌الذکر، هیچ ایرادی ندارد که انسان شغل جدیدی بیابد. خداوند اغلب با هدف این که قومش در مسیح رشد کنند شرایط و زندگی‌شان را تغییر می‌دهد.

نکته‌ی مهم وقتی به موضوع خواندگی فکر می‌کنید این است که بکوشید از عطایایی که خدادند به شما داده استفاده کنید و از راه بکارگیری آن عطایا خداوند را جلال دهید. اگر این برای شما به معنی انتخاب یک شغل جدید است این کار را بکنید. به نظر من خداوند مرا دست کم در سه مسیر هدایت کرده است: نخست معتقد بودم استاد دانشگاه خواهم شد و کوشیدم از طریق تحصیل به این حرفه دست پیدا کنم. سپس به این نتیجه رسیدم دانشگاه بهترین خواندگی برای من نیست و در عوض به سراغ حقوق رفتم و تقریباً یک دهه به عنوان وکیل کار کردم. در همان زمان بود که احساس کردم (خواندگی درونی) خواندگی‌ام خدمت انجیل است، و کسانی که در کلیسا بودند مرا تشویق کردند تا آن مسیر را دنبال کنم (خواندگی بیرونی). امیدوارم تا آخرین روزهای زندگی خداوند را از این راه خدمت کنم، اما همواره باید در برابر راهنمایی خداوند چشمان باز داشته باشم. باشد که خداوند شما را نیز به اعتماد بر او هدایت کند تا بدانید تمامی روزها و تمامی کارهای شما در دستان خداوند است.

کشیش فرد گریکو شبان ارشد کرایست چرچ (کلیساهای پرزبیتری در آمریکا) در کیتی، تگزاس، است.

این مقاله در مجله [تیبل تاک](#) منتشر شده است.